پیشاپیش فرارسیدن میلاد حضرت فاطمه(س) و عید نوروز را تبریک می‌گوییم

ایران ورزشی
۱۲ صفحه ۵۰۰ تومان
www.iran-varzeshi.com
سال بیستم|پنج‌شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۵|۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸|16Mar2017|شماره ۵۶۰۵
2411200075790003 6260757900037

سال صعود

مقدماتی جام جهانی، مهم‌ترین رویداد ورزشی ایران در سال ۱۳۹۶

شماره ویژه پایان سال ۹۵

بررسی اتفاقات مهم ۱۲ ماه اخیر ورزش ایران و جهان

چرا فدراسیون متفکرترین نهاد فوتبال ایران نیست؟

۱ ماجرای من؛ چگونه علیرضا جهانبخش شدم

۲ دست کی روش در خط حمله تیم ملی پر است

۳ گلزن، ۳ انتخاب

۲ چرا پرسپولیسی‌ها برانکو را دوست دارند

۳ شکوفایی جوانه‌ها در ریو

۴ مصاحبه اختصاصی با محمد بنا
حالا یک نفر هست که نگرانم باشد

۵ فدرر در رویای گرند اسلم نوزدهم

۷ کبک منصوریان خروس می‌خواند

۹ بیهوده ترین جدل سال؛ کی روش - برانکو
یک مشت حرف بی حساب

۱۱

سرمقاله

سال صعود با نقدهای تند و تیز

سعید زاهدیان
Saeed Zahedian

در زمانه‌ای که سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌هایی نظیر تلگرام، کار ارسال پیام و خبررسانی را در حداقل زمان انجام می‌دهند، روزنامه‌نگاری مکتوب کارکرد متفاوتی نسبت گذشته پیدا کرده است. امروز دیگر کسی منتظر نمی‌ماند تا صبح اول وقت مقابل کیوسک‌های روزنامه‌فروشی در صف بایستد تا با خرید روزنامه، از اخبار و ماجراهای روز گذشته مطلع شود. در چنین زمانه‌ای، روزنامه‌هایی موفق هستند و امکان بقا می‌یابند که در تحلیل خبرها موفق‌تر عمل کنند و نسبت به اتفاقات، نقدهایی درست و موشکافانه ارائه کنند. چنین روزنامه‌هایی برای مخاطبان همچنان دارای اهمیت هستند و مردم –و در حوزه ما علاقه‌مندان به ورزش –را ترغیب به تماشای خود می‌کنند.

با این مقدمه، سراغ روزنامه ایران ورزشی می‌رویم. روزنامه‌ای که با گذر از ۲۰ بهار، دوره‌های متفاوتی را تجربه کرده است؛ از آن زمان که نخستین روزنامه رنگی ورزشی ایران بود تا امروز کوشش بر این بوده که ایران ورزشی رسانه‌ای جدی، منتقد و دارای بحث برای مخاطبان باشد. ایران ورزشی در تمام روزهای سال ۹۵ –و حتی سال‌های پیش‌تر از آن –کوشیده تا با فراهم آوردن فضای نقد و به چالش کشیدن موضوعات مهم ورزشی، به اندازه و سهم خود در مسائل ورزش کشور موثر باشد. در سال ۹۵، یکی از عمده‌ترین مشکلات ورزش، بحران‌های مالی و مدیریتی بود. بی‌امکاناتی تیم ملی ایران در راه رسیدن به جام جهانی و بیانیه‌های گاه و بیگاه کارلوس کی‌روش که در ادامه و به اختلاف با برانکو کشیده شد، نمونه‌ای بارز از سوءمدیریت حاکم بر فوتبال کشور را نشان می‌دهد. یا می‌توان از محرومیت‌های استقلال و تراکتورسازی توسط فیفا نام برد که دو تیم بزرگ فوتبال ایران به دلیل بحران‌های مالی و مدیریت نامناسب در گردابی از مشکلات گرفتار آمدند. به هر جای دیگر از فوتبال هم نگاه بیندازیم، وضعیت بهتری نمی‌بینیم. باشگاه پرسپولیس با بدهی سنگین به مانوئل ژوزه (۱/۳ میلیون یورو به عبارتی نزدیک به ۸ میلیارد تومان) وضعیتی نگران‌کننده را دنبال می‌کند یا در لیگ‌های پایین‌تر به دلیل پرداخت نشدن بدهی خارجی‌ها، کار چند تیم مثل استقلال اهواز و پاس همدان به کسر امتیاز کشیده است. این شرح حال فوتبال باشگاهی زیان‌ده در ایران است و در سایر رشته‌ها هم سوءمدیریت و بحران مالی در سالی که سپری شد کم نبوده است. همین مشکلات است که وزیر ورزش و جوانان را به فکر انداخته تا ساز و کاری فراهم شود که بخش خصوصی بدون زیان بتواند به فوتبال ورود کند. اینکه چه برنامه و راه‌حلی در ذهن وزیر وجود دارد، برای ما می‌تواند جالب و جذاب باشد اما در همین راه، این رسانه‌ها –بخصوص رسانه‌های مکتوب –هستند که با نوشته‌های خود و نقد کردن هر چه بیشتر مشکلات ورزش به بهبود فضای ورزش کمک خواهند کرد. فارغ از موضوعات مالی، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی دیگری هم پیش روی ورزش ایران قرار دارد. از ناامنی و ناسالمی فضای ورزشگاه‌ها گرفته تا سطح پایین دانش در میان ورزشکاران که همه اینها در این مدت مورد نقد رسانه‌ها –بخصوص ایران ورزشی –قرار داشته است.

حالا در سال ۹۶، بر این باوریم که باید فتیله نقد را بالا کشید و تند و تیزتر به مصائب و مشکلات تاخت. باید بیش از چیزی که هستیم، به ناپاکی، پلشتی و معضلات ورزش نقد وارد کنیم چه بسا از دل این نقدها و بحث‌ها، چیز تازه‌ای از ذهن‌ها برون تراود و گامی بلندتر و موثرتر در راه بهبود فضای ورزش کشور برداشته شود.

سال ۹۵ به روزهای پایانی رسیده و این آخرین شماره ایران ورزشی در سال ۹۵ خواهد بود اما سال ۹۶، ما و همه همکاران‌مان جدی‌تر، با بحث‌هایی تازه‌تر، با نقدهایی تند و تیزتر و چه بسا گاهی بی‌رحمانه، به سراغ ورزش خواهیم رفت و امیدواریم که با تغییر این فضا، سال ۹۶ را سالی بهتر در تمام زمینه‌ها برای ورزش ببینیم. این رویه ایران ورزشی است و اگر همه رسانه‌ها با همین شدت و نگاه روی موضوع ورزش متمرکز شوند، امید بیشتری برای تحقق رویاهای بزرگ ورزش وجود دارد. سال نو مبارک، ایام به کام...

قلم قرمز کی‌روش روی نام سروش و کمال

کی‌روش برای اردوی تدارکاتی تیم ملی که از ۲۶ تا ۲۸ اسفندماه در تهران برگزار می‌شود، ۱۹ بازیکن را دعوت کرد. بر همین اساس اسامی بازیکنان دعوت شده به شرح زیر است: محمدرضا اخباری، علیرضا بیرانوند، محمد رشید مظاهری، رامین رضاییان، وریا غفوری، پژمان منتظری، سیدجلال حسینی، مرتضی پورعلی‌گنجی، محمد انصاری، مسعود ابراهیم‌زاده، احسان حاج‌صفی، امید ابراهیمی، عزتا... پورقاز، مهدی ترابی، مرتضی تبریزی، ساسان انصاری، احسان پهلوان، مهدی طارمی و وحید امیری.

بزرگترین غایب این لیست، سروش رفیعی است. هافبک بازیساز پرسپولیس که قبل از حضور در این تیم جای ثابتی در فهرست کی‌روش داشت اما مشخص نیست چرا این بار به تیم ملی دعوت نشده. جز سروش، کاوه رضایی از استقلال، محمد ایرانپوریان از تراکتورسازی و جوان‌هایی چون امید نورافکن و فرشید اسماعیلی نیز می‌توانستند در فهرست قرار بگیرند اما این اتفاق رخ نداد. همچنین کمال کامیابی نیا که طی یک سال اخیر، یکی از نام‌های ثابت فهرست تیم ملی بود، این بار جایی در تفکرات کی‌روش نداشت. قرار است فهرست نهایی جهت دیدار با قطر و چین ۲۹ اسفند اعلام شود. لیستی که در آن نام لژیونرهای فوتبال ایران نیز وجود دارد.

به دنبال پاسخ یک سوال، با بازخوانی چند پرده در سال ۹۵

چرا فدراسیون متفکرترین نهاد فوتبال ایران نیست؟

فرشاد کاس‌نژاد
Farshad Casnejad

پرسش سال این است یا اگر این باشد و پی پاسخ‌اش برویم، بیراه نرفته‌ایم: «چرا فدراسیون فوتبال متفکرترین نهاد فوتبال ایران نیست؟» برای این پرسش، چند پرده از ماجراهای سال را بازخوانی کنیم، ببینیم چرا این پرسش از این سال سربرآورده.

1 از فدراسیون فوتبال که تصمیم گرفته بازیکن و مربی خارجی تازه‌ای به فوتبال ایران نیاید، باید پرسید که مگر این باشگاه‌ها با بازیکنان و مربیان ایرانی رفتار مالی بهتری دارند؟ تراکتورسازی، استقلال یا سپاهان و پرسپولیس و تیم‌هایی که دست‌شان به منابع مالی دولتی یا عمومی می‌رسد، تیم‌های متمول فوتبال ایران محسوب می‌شوند که در پرداخت مطالبات بازیکنان و مربیان چندان با بحران‌های جدی مواجه نمی‌شوند. ما در این فوتبال تیم‌های کوچک و خصوصی داریم که سال‌های سال بدون پول و بدون منابع مالی روشن تیمداری می‌کنند، به بدهی‌های خود می‌افزایند و دست بازیکنان و مربیان‌شان هرگز به مطالبات نمی‌رسد. برخورد کمیته انضباطی هم با این باشگاه‌ها عجیب است، رای به نفع بازیکن و مربی صادر می‌شود اما ساز و کاری برای دریافت این مطالبات از تیم‌های بدهکار وجود ندارد. عجیب‌تر اینکه همین بازیکنان و مربیان باید مالیات قراردادهایی را که پولش را دریافت نکرده‌اند، بپردازند.

واکنش فدراسیون اگر در مقابل محرومیت استقلال و تراکتورسازی از پنجره نقل و انتقالات این است که ممنوعیت استخدام بازیکن و مربی خارجی را تعیین کند، چرا واکنشی در مقابل بدهی‌های سنگین تیم‌ها به بازیکنان و مربیان ایرانی نشان نمی‌دهد؟

فدراسیون فوتبال اگر بخواهد همچون فیفا با پرونده‌های شکایت بازیکنان و مربیان ایرانی برخورد کند و حکم به محرومیت تیم‌های بدهکار بدهد، بعید است برای لیگ فصل آینده دو تیم باقی بماند که مجوز نقل و انتقال بازیکن و مربی داشته باشد. تیم‌های ایرانی را دیگر نمی‌توانیم بدهکار بدانیم، آنها تیم‌های بزهکاری هستند که کار را به جای عجیبی رسانده‌اند. بدهی روی بدهی. از پرداخت هم خبری نیست. تیمداری با حداقل‌ها، با اهدافی نامعلوم.

«بخش خصوصی واقعی» از حد قدمی این فوتبال هم رد نمی‌شود. چرا؟ دلیلش روشن است، چون تیم‌های در ظاهر متمول، دولتی‌ها و صنعتی‌ها و خصوصی‌های تردیدبرانگیز، چیزی از فوتبال باقی نگذاشته‌اند. می‌پرسید چگونه؟ این هم روشن است، با قراردادها و ولخرجی‌های دیوانه‌وار و قدرتی عجیب در پرداخت نکردن بدهی‌های انباشته. این قدرت در پرداخت نکردن مطالبات از کجا می‌آید؟ آیا این کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال نیست که این قدرت را به تیم‌های بدهکار می‌دهد؟

در سالهای اخیر تیم‌های خصوصی را مرور کنیم. نام داماش با پرونده اختلاس ۳ هزار میلیاردی امیر منصور آریا عجین شد و نام راه‌آهن با پرونده اختلاس بابک زنجانی. مالک استیل آذین هم که همواره خبر بازداشتش می‌رسد و تکذیب می‌شود. این کارنامه بخش خصوصی در فوتبال ایران است. تیم‌های خصوصی دیگری که به این اختلاس‌ها متصل نیستند، آه ندارند که با ناله سودا کنند.

این چه رسمی در فوتبال ایران است که تیم‌هایی قدرتمند با بدهی‌های سنگین ساخته می‌شوند و فدراسیون فوتبال با آنها مماشات می‌کند؟ دو پرونده از بدهی‌های استقلال و تراکتورسازی به فیفا رفته و این دو تیم از پنجره نقل و انتقالات محروم شده‌اند اما دویست پرونده در فدراسیون فوتبال خاک می‌خورد، نه تیمی محروم می‌شود و نه مدیری بازخواست می‌شود که چرا این بدهی‌های بزرگ و پرداخت نشدنی را پدید آورده و چرا بازی منصفانه مالی را زیر پا گذاشته است. مدیران تیم‌های دولتی و صنعتی در فوتبال ایران برای موفقیت‌های بی‌مقدار و مقطعی خود هر بلایی بر سر باشگاه خود و بر سر فوتبال ایران می‌آورند. آنها «بخش خصوصی واقعی» و نه سرمایه‌گذاران اختلاس‌گر را از فوتبال گریزان می‌کنند و به بی‌اعتباری مالی در فوتبال دامن می‌زنند. ملالی هم ندارند و با ادا و اطوار مدیریت از ساختار باشگاه و روش‌های مدیریت خود حرف می‌زنند.

فوتبال ایران از این روند مرگبار خسته است، از این اقتصاد بیمار خسته است و راه گریزی نیست. فوتبال ایران ورشکسته شده و فدراسیون فوتبال میان این همه بحران راهی پیدا نمی‌کند جز مماشات و مدارا و لاپوشانی بحران‌ها.

2 شهرآورد تهران جانانه و پرهیاهو برگزار شد، گل‌های پرشمار، برخوردهایی که در زمین تمام شد، تماشاچی اخلال‌گر، اشتباهات داور، تماشاگرانی که پشت در آزادی ماندند و تماشاگرانی که پای تیم‌شان ایستادند. وصله ناجور این بازی اما رای کمیته انضباطی و محرومیت مهدی رحمتی و جلال حسینی است. برداشت غلط از یک بازی بزرگ را در آرای کمیته انضباطی می‌بینیم. اهلیت ورزشی و شناخت هوای یک بازی بزرگ، شناخت آن هیجان عجیبی که حرفه‌ای‌ترین بازیکنان را نیز در برمی‌گیرد، اگر نزد کمیته انضباطی یافت می‌شد هرگز این آرای عجیب را صادر نمی‌کردند. علی منصوریان در برنامه نود بهترین نگاه را درباره آرای کمیته انضباطی ارائه کرد و به دو نکته پرداخت که باید از جمله عمیق‌ترین بحث‌های فوتبال در ایران باشد. اشاره او به رفتارهای دهه ۶۰ و ۷۰ در فوتبال ایران و تبعید شهرآورد به شهری دیگر و البته بی‌توجهی بزرگ کمیته انضباطی به پرونده‌های مالی بازیکنان و مربیان ایرانی دو مساله‌ای بود که منصوریان به درستی پیش روی کمیته انضباطی گذاشت. رییس کمیته انضباطی برای مساله اول و جنس رفتارها و تصمیمات انضباطی‌اش به چند بند و آیین‌نامه بی‌روح اشاره کرده و برای مساله دوم، این موضوع را در پاسخ به منصوریان گفت که استقلال از بدهکارترین تیم‌هاست. حسن‌زاده یا مفهوم آنچه را منصوریان گفته، درنیافته یا خواسته با طرح بدهی‌های انباشته باشگاه استقلال بحث را به این جدل که «تیم خودتان بدهکارتر است» تقلیل دهد اما نه. راه فرار از بحث با نازل کردن و شخصی‌سازی بسته است. باید ایستاد و بحث کرد.

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال به جای آنکه مسوولیت و وظیفه‌اش حفاظت از فوتبال باشد، راه دیگری را انتخاب کرده. مقابل فوتبال ایستاده، با احکام خشن (که البته گاهی برای حفاظت از ورزش لازم است) و با این تصور که به وظایف قانونی‌اش عمل می‌کند. مسوولیت این کمیته اما در بحث‌های اساسی و مهم‌تری روی زمین مانده است. فوتبال تا مرز ورشکستگی پیش رفته، باشگاه‌ها با بدهی‌های انباشته، بیشتر غرق می‌شوند و فرو می‌روند، بازی منصفانه مالی را نادیده می‌گیرند و برای فوتبال چالش‌های اقتصادی می‌سازند اما کمیته انضباطی تا امروز جز مماشات با باشگاه‌های بدهکار کار دیگری نکرده است. محافظت اقتصاد فوتبال از مسوولیت‌های کمیته انضباطی است، چون اهرم‌های بازدارنده در مقابل نادیده گرفتن بازی منصفانه مالی در دست این کمیته است و می‌تواند حکم صادر کند و جلودار این روند محکوم به ورشکستگی باشد. باشگاهی که میلیاردها بدهی دارد، همچنان بازیکن میلیاردی می‌خرد و کمیته انضباطی هیچ راهکاری پیدا نمی‌کند که بازیکنان و مربیان در فوتبال ایران به حقوق خود برسند. معمول است که در فوتبال ایران اغلب ستاره‌ها دستمزدهای‌شان را دریافت می‌کنند اما بازیکنان و مربیان کوچک که فوتبال را در تیم‌های کوچک زنده نگه می‌دارند و نقش بزرگی در پویایی فوتبال دارند، پرونده‌ای از مطالبات را زیر بغل زده‌اند و می‌دانند هرگز به مطالبات خود نخواهند رسید. کمیته انضباطی در این معرکه چه کار می‌کند؟ احکامی را صادر می‌کند که قابلیت اجرایی ندارند.

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال اگر همچون فیفا درباره باشگاه‌های بدهکار سختگیر باشد، فوتبال از شر این قیمت‌های گزاف و بدهی‌های سنگین رها می‌شود و باشگاه‌ها به همان قیمت بازیکن می‌خرند که بنیه مالی پرداختش را دارند. اینجاست که بازی بین باشگاه‌ها به بازی منصفانه مالی تبدیل می‌شود، نه این بازی نابرابر که تماشاگرش هستیم.

3 فوتبال ایران قیمت خود را نمی‌داند، حتی قیمت مهم‌ترین و پرطمطراق‌ترین بازی‌اش را نمی‌داند. این فوتبال یاد گرفته که قیمت‌های گزاف را پای ستاره‌های متوسط بریزد اما دانش اقتصادی و شم تجاری‌اش هنوز به آنجا نرسیده که قیمت خودش را بداند و این تعلل در دانش‌آموزی و در یافتن راه و چاه اقتصادی در فوتبال ایران یک دلیل دارد که صد دلیل دیگر را از دایره بحث در این‌باره خارج می‌کند و خودش را یگانه دلیل جلوه می‌دهد: باقی ماندن خصوصی‌سازی در حد یک حرف.

شهرآورد تهران با شمارش تعداد بینندگان تلویزیونی و تماشاگران در آزادی، با همین حساب و کتاب ساده، بازار بزرگی را پیش روی فوتبال می‌گذارد. تب و تابی که در عرصه تبلیغات محیطی، تلویزیونی و مجازی پدید می‌آورد، جلوه‌ای واضح از قدرت مالی در فوتبال ایران است، همان‌چه از فوتبال دربغ می‌شود، نادیده گرفته می‌شود یا حتی انکار می‌شود. کنش باشگاه‌ها همیشه تکرار یک عبارت یا تهدید بی‌حاصل است که هرگز قابلیت اجرایی ندارد: «دوربین‌های تلویزیون را راه نمی‌دهیم.»

لیگ باشکوه و هیجان انگیز برگزار شده اما در همین اوج و میان همین هیجان، فوتبال انگار فریاد می‌زند که از بدهی‌های بزرگ، از مدیریت در بن‌بست، از آشفته‌بازار اقتصادی، از این اقتصاد بیمار نجاتش دهند. پرسپولیس و استقلال با بدهی‌های انباشته و چند ده میلیاردی ورشکسته شده‌اند و عجیب آنکه همچنان هیجان‌انگیزترین بازی سال را برگزار می‌کنند. فوتبال نزد مردم، در ذهن مخاطب، در ذهن تماشاگر زنده و پویاست اما فوتبال در خودش فروریخته و ورشکسته است. این ورشکستگی را تاب آوردن و این فوتبال را همچنان نمایشی تماشایی جلوه دادن و بدهی‌های انباشته را نادیده گرفتن و محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های بین‌المللی را نادیده گرفتن، کاری است که آگاهانه و ناخودآگاه با همدستی باشگاه‌ها، فدراسیون و همه نهادهای دولتی و صنعتی درگیر با فوتبال انجام می‌شود. باشگاه‌های خصوصی هم یا در بحران‌های مالی جان به لب شده‌اند یا در یک دهه اخیر توسط هولدینگ‌ها و تشکیلاتی که خبر اختلاس‌شان گوش فلک را کر کرد، اداره شدند و چهره کاذب یک تیم متمول و سرانجام به گل نشسته را داشتند.

چشم‌ها به روی حقوق فوتبال در ایران بسته شده و فوتبال با قراردادهای گزاف بازیکنان و مربیان و بدهی‌های بزرگ، چهره دوگانه و عجیبی از خود ساخته.

> **این ورشکستگی را تاب آوردن و این فوتبال را همچنان نمایشی تماشایی جلوه دادن و بدهی‌های انباشته را نادیده گرفتن و محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های بین‌المللی را نادیده گرفتن، کاری است که آگاهانه و ناخودآگاه با همدستی باشگاه‌ها، فدراسیون و همه نهادهای دولتی و صنعتی درگیر با فوتبال انجام می‌شود.**

نگاهی به دور رفت مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا

مراقب توفان چینی باشید

دور رفت مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا دیروز به پایان رسید و حالا می‌توان ارزیابی نسبی از عملکرد تیم‌ها و پیش‌بینی مدعیان داشت؛ مسابقاتی که لیگ برتر ایران در آن چهار نماینده دارد و نتایج نسبتا خوبی هم گرفته‌اند. این تحلیلی مختصر از این مسابقات بعد از برگزاری ۴۸ بازی و برخی از حواشی آن است.

صدرنشینی آبی‌ها

استقلال تهران و استقلال خوزستان موفق شدند دور رفت مرحله گروهی را با صدرنشینی به پایان ببرند. استقلال خوزستان بعد از شگفتی‌سازی در لیگ برتر حالا در آسیا هنرنمایی می‌کند و مسابقات را با دو برد خارج از خانه شروع کرد، ولی در روز آخر در خانه به تساوی رسید، با این حال همچنان صدرنشین گروه B است. استقلال تهران هم با وجود شکست روز اول توانست با دو برد خیلی خوب دور رفت را با صدرنشینی گروه A به پایان ببرد. پرسپولیس که در گروه D حریفان سختی دارد، در رده سوم گروه قرار گرفت، ولی با توجه به دو بازی خانگی دور برگشت بخت خوبی برای صعود دارد. ذوب‌آهن هم در گروه C وضعیتی مشابه پرسپولیس دارد و هنوز در دور برگشت فرصت کافی برای جبران دارد.

چینی‌های ۹ امتیازی

در پایان دور رفت تنها دو تیم چینی توانستند هر سه بازی‌شان را ببرند و ۹ امتیازی شوند. شانگهای SIPG دیروز موفق شد سومین بردش را مقابل اوراوا رد ز تجربه کند و صدرنشین مطلق گروه F شود. این تیم نشان داده با هدایت ویاش‌بواش و مهاجمی مثل هالک مدعی قهرمانی است. دیروز جیانگسو سونینگ با شکست یک تیم ژاپنی دیگر، یعنی گامبا اوزاکا ۹ امتیازی شد. زننده گل برتری این تیم هم یک چهره آشنا بود؛ رامیرز، هافبک سابق چلسی. در سالی که تیم‌های ایرانی کیفیت خوبی داشته و شانس رسیدن به مراحل بالای مسابقات را دارند، باید تیم‌های چینی را مهم‌ترین رقیب آنها در صورت صعود دانست. سرمایه‌گذاری وحشتناک چینی‌ها قهرمانی این مسابقات برای هر تیم دیگری را خیلی دشوار می‌کند. فراموش نکنیم که در یازده سال گذشته السد تنها تیم غرب آسیاست که توانسته قهرمان این مسابقات شود.

اوراوا، بهترین خط حمله

اوراوا ردز ژاپن با یازده گل زده بهترین خط حمله مسابقات را در اختیار دارد. گوانگژو اور گرانده هم با هدایت اسکولاری توانسته در سه بازی ۱۰ گل بزند. این تیم چینی با برتری ۷ بر صفر مقابل ایستترن هنگ‌کنگ بهترین برد این مسابقات را به دست آورده است.

وسترن‌سیدنی، بدترین دفاع

بدترین خط دفاع لیگ قهرمانان در دور رفت متعلق به وسترن سیدنی است که دروازه‌اش یازده بار باز شده.

یازده تیم بدون شکست

در پایان مرحله رفت یازده تیم هنوز شکست را تجربه نکرده‌اند که استقلال خوزستان یکی از آنهاست. لخویا قطر، الاهلی عربستان، العین امارات، الهلال عربستان، موانگ تونگ تایلند، شانگهای SIPG، گوانگژو اور گرانده، سسون سامسونگ، کاوازاکی فرونتال و جیانگسو سونینگ این فهرست طولانی را کامل می‌کنند.

سه تیم با دست خالی

سه تیم در پایان مرحله رفت هنوز نتوانسته‌اند امتیازی به دست آورند. الجزیره، صدرنشین لیگ امارات ناباورانه هر سه بازی‌اش را باخته است و کار سختی برای صعود دارد. بنیادکار ازبکستان، حریف ذوب‌آهن هم تا امروز نتوانسته امتیازی بگیرد. اف. سی. سئول کره سومین تیم بدون امتیاز مسابقات است.

اسکار، بالاترین دستمزد

در میان بازیکنان حاضر در این مسابقات اسکار برزیلی بالاترین دستمزد را دریافت می‌کند. او با انتقال از چلسی به شانگهای SIPG دستمزدش چهار برابر شد و هفته‌ای ۴۹۰ هزار دلار به حسابش واریز می‌شود. او در این سه بازی یک گل هم برای تیمش زده است. با نتایج خوب این تیم چینی و نمایندگان ایران، شاید در سال ۹۶ نمایش اسکار را در یکی از ورزشگاه‌های ایرانی ببینیم. این عنوان می‌توانست به کارلوس توز برسد، ولی شانگهای شن‌هوا در پلی‌آف شکست خورد و با وجود سرمایه‌گذاری بالا نتوانست به مرحله گروهی برسد.

هالک و العربی، بهترین گلزنان

هالک، مهاجم برزیلی شانگهای SIPG در هر سه بازی تیمش موفق به گلزنی شد و با سه گل بهترین گلزن این مسابقات در پایان دور رفت است. یوسف العربی، مهاجم مراکشی لخویا که سابقه بازی در گرانادای اسپانیا را دارد هم سه گله است.

بانوی روی نیمکت

یکی از چهره‌های این مسابقات چان یون تینگ است؛ اولین سرمربی زن لیگ قهرمانان آسیا که روی نیمکت وسترن هنگ‌کنگ می‌نشیند. او هرچند تیمش در سه بازی فقط یک امتیاز گرفته، ولی حضورش در این مرحله از مسابقات و روبه‌رو شدنش با تیم‌های متمول شرق آسیا تحسین‌برانگیز است و کیفیت فنی او را تایید می‌کند.